

غزل شماره ۴۹

- | | | |
|----|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ | روضه خلد برین خلوت درویشان است | مایه محتشی خدمت درویشان است |
| ۲ | کنج عزلت که طلسمات عجایب دارد | فتح آن در نظر رحمت درویشان است |
| ۳ | قصر فردوس که رضوانش به دربانی رفت | منظری از چمن نزهت درویشان است |
| ۴ | آن چه زرمی شود از پرتو آن قلب یاه | کیمیاییست که در صحبت درویشان است |
| ۵ | آن که پیشش بنهد تاج تکبر خورشید | کبریاییست که در حشمت درویشان است |
| ۶ | دولتی را که نباشد غم از آسب زوال | بی تکلف بشنود دولت درویشان است |
| ۷ | خسروان قبله حاجات جهاند ولی | سببش بندگی حضرت درویشان است |
| ۸ | روی مقصود که شان به دعای طلبند | مطرش آینه طلعت درویشان است |
| ۹ | از کران تا به کران لکثر ظلم است ولی | از ازل تا به ابد فرصت درویشان است |
| ۱۰ | ای تو انگر مفروش این همه نخوت که تورا | سروزر در کنف همت درویشان است |
| ۱۱ | کنج قارون که فرومی شود از قهر هنوز | خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است |
| ۱۲ | من غلام نظر آصف عهدم کورا | صورت خواجگی و سیرت درویشان است |
| ۱۳ | حافظ ار آب حیات ازلی می خواهی | منبعش خاک در خلوت درویشان است |

ترج غزل

معانی لغات غزل

روضه: باغ، گلزار.

خلد: همیشگی، جاویدان، کنایه از بهشت.

خلدبرین: بهشت بالا، بهشت اعلا.

خلوت: در اصطلاح عرفا به ریاضتهای: مخالفت با نفس و کمی طعام و کلام و خواب و زیادی روزه و ترک مخالطت با انام و مداومت ذکر باری تعالی گفته می شود.

خلوت درویشان: گوشه تنهایی درویشان برای ریاضت.

مایه: سرمایه.

مایه محتشمی: سرمایه بزرگی و جاه و جلال.

طلسمات: جمع طلسم، خطوط و آشکال و تصاویری که بر روی کاغذ ترسیم و برای حفظ گنج بر آن گنج نهاده آن را مدفون می کنند و در اینجا به معنای مشکلات است زیرا فتح طلسم کاری بس مشکل است.

فتح: گشودن، گشایش.

قصر فردوس: کاخ بهشت.

رضوان: نام ملائکه‌یی که دربان بهشت است.

منظر: چشم انداز.

نزهت: سرور، خوشی، تفرج، رامش.

قلب: قلبی.

آن، که: آن چیزی که.

پیشش بنهد: در پیشش بر زمین نهد.

تکبر: غرور و خودخواهی.

کبریا: بزرگی و عظمت و شوکت.

حشمت: شکوه و جلال.

دولت: امکانات، ثروت و مکنات، نیک بختی، اقبال و طالع.

بی تکلف: بدون مشکل و سختی، بی تعارف.

قبله حاجات: مرکز برآوردن خواسته‌های نیازمندان.

روی مقصود: چهره خواسته‌ها و آرزوها.

مظهر: جلوگاه.

طلعت: چهره.

از ازل تا به ابد: از آغاز تا پایان، از پیش از آغاز آفرینش تا پایان بی پایان.

نخوت: تکبر و غرور و تظاهر به بزرگی.

کنف: پناه، حمایت.

همت: بلندنظری، اراده، عزم، آرزو، خواهش.

غیرت: قهر، خشم.

آصف عهد: وزیر وقت و زمان.

صورت خواجگی: ظاهر محتشمانه.

درویش: خواهنده از درها، سائل، فقیر و دست‌تنگ و آبرومند و در عرف زبان محاوره به افراد دست‌تنگ و قانع

و خرسند و راضی که با قسمت خود سازش دارند گفته می‌شود.

معانی ابیات غزل

بیت اول

باغ بهشت زاویه خلوت درویشان و سرمایه بزرگی و حشمت، در خدمتگزاری به ایشان است.

بیت دوم

گشایش گنج عزت و سرفرازی (گنج گوشه‌گیری) با مشکلات فراوانی همراه و وابسته به عنایت و بخشایش

درویشان است.

بیت سوم

کاخ بهشت که فرشته رضوان دربان آنست گوشه‌یی از تفرج‌گاه درویشان است.

بیت چهارم

آن اکسیر و کیمیایی که سکه مسین سیاه شده را به زرناب مبدل می کند در دوستی و مصاحب درویشان نهفته است.

بیت پنجم

آن چیزی که خورشید در پیش پایش تاج بزرگی خود را از سرفرو می نهد عظمت و بزرگی بی است که در شکوه و جلال باطنی درویشان وجود دارد.

بیت ششم

بدون هیچ مبالغه، تنها دولت زوال ناپذیر و همیشگی، دولت و عزت درویشان است.

بیت هفتم

سبب اینکه شاهان، مرکز حاجات مردمند این است که خود آنها بنده درگاه درویشان بی نیازند.

بیت هشتم

چهره خواسته ها و آرزوهای را که شاهان بوسیله دعا از خداوند طلب می کنند در آئینه صورت درویشان مشهود است.

بیت نهم

سپاه ظلم کران تا کران را فرا گرفته اما از زمان تقسیم مقدرات مقسوم و سابقه لطف ازلی تا پایان بی پایان همیشگی فرجه بهره برداری درویشان است.

بیت دهم

ای توانگرو دارا! این همه به مال خود مناز و تکبر مفروش که جان و مال تو در پناه همت درویشان قرار دارد.

بیت یازدهم

شاید این داستان را خوانده باشی که گنج قارون از قهر و غیرت موسی به زمین فرو رفت. آری این گوشه‌یی از خشم و غیرت درویشان است.

بیت دوازدهم

حافظ، اگر آب حیات جاویدان می‌طلبی در خاک در خلوت درویشان نهفته است.

بیت سیزدهم

من، بنده و منظور نظر وزیر زمانم که در صورت ظاهر به مانند خواجه محتشم و در سیرت و باطن همانند درویشان است.

شرح ابیات غزل

وزن غزل: فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن فع لان

بحر غزل: رمل مثنی‌م مخبون اصلم مسبغ

چنانکه پیش از این درمبحث مرام و مسلک حافظ بیان شد، بین معنای کلمه صوفی و درویش از زمین تا آسمان فاصله است. حافظ مخالف صوفی و زاهد و موافق درویش و عارف است. درویشان مردمانی با لوح ضمیر پاک و چهره ظاهری تابناک، با دستی از مال دنیا تهی و صاحب عزت نفس و راضی به قسمت خود و در واقع عارفانی بدون ادعایند که اهل تظاهر نبوده و در بطن جامعه در طول تاریخ به راه خود می‌روند و به کسی آزاری نمی‌رسانند. حافظ این غزل را در مدح این درویشان سروده و در پایان با اضافه کردن بیتی به غزل خود، به خواجه جلال‌الدین توارنشا و زیر شاه شجاع تقدیم کرده و او را در این بیت درویش باطنی خوانده است. در بیت دوم این غزل به کلمه طلسمات برمی‌خوریم که جمع طلسم است. در سابق عده‌یی با انگیزه مادی به دنبال علم کیمیا و تحصیل طلای فراوان از تبدیل مس، بوسیله این علم بودند و عده دیگری با انگیزه شیطانی کارشان تهیه اوراق طلسم بود که با کشیدن خطوط کج و معوج و نوشتن حروف و کلمات در خانه‌های جدول و تصاویر مختلفه مدعی رفع چشم زخم و دفع بلا و بیماری و محافظت اموال از دستبرد زدان و پنهان ماندن گنج و ذخیره‌های مالی که صاحبان آن از بیم دشمن پنهان می‌کرده‌اند بوده و گاه این اوراق گنج‌نامه به دست

اشخاصی می‌افتاده و آنها برای کشف گنج و گشودن رمز آن گنج‌نامه زحمات و مشقات زیادی را متحمل می‌شده‌اند. حافظ در بیت دوم کلید گنج عزلت یا کنج عزت را که با طلسم عجیب و غریب مخفی شده است. در نظر لطف و عنایت درویشان می‌داند و به نظر می‌رسد (گنج عزلت) با موضوع خلوت درویشان صورت مناسبتری از ضبط باشد.

در بیت سوم حافظ همانند شعرای متقدم نام فرشته نگهبان بهشت را رضوان می‌داند و معنای لغوی رضوان رضا و خوشنودی است.

در بیت پنجم معنای (آن، که) (آن چیزی که) می‌باشد و شاعر در این بیت کبریا و عظمت درویشان را می‌ستاید. در بیت نهم فاصله ازل تا ابد را فرجه و فرصتی می‌داند که در اختیار درویشان قرار گرفته است. ازل به زمانی پیش از زمان اطلاق می‌شود یعنی آن لحظه که معمار کاینات برنامه تدوین کاینات و آفرینش را تنظیم می‌کرد و ابد پایان همیشگی و جاویدانی است.

در بیت یازدهم حافظ اشاره به داستان گنج قارون دارد که در قرآن نیز آمده و در تفاسیر و اخبار مفصل‌تر شرح شده است. به این معنا که حضرت موسی از قارون زکوه مال بی حد و حصر او را طلب کرد و قارون سرباز زد و برای اینکه حضرت موسی را تحطئه کند زنی را به طمع مال فریب داده تا در پای و عطف حضرت موسی حاضر شده و در میان جمع ادعا کند که موسی با او زنا کرده است. آن زن در محضر موسی حاضر و مسحور سخنان و کلمات حکمت‌آمیز او شده و خطاب به موسی شرح ماوقع بازگفت و موسی در مناجات خود از خدا خواست تا آنچنان قدرتی به او بدهد که با قارون مقابله کند و خداوند اختیار زمین را در تحت اراده او قرار داد و چون موسی به چنین قدرتی نایل آمد به نزد قارون رفته به زمین امر کرد تا همه اموال قارون را در خود فرو برد و فی الفور کلیه اموال و خزاین قارون در شکم زمین فرو رفته و هنوز که هنوز است در حال فرو رفتن است و حافظ به این دلیل می‌فرماید (گنج قارون که فرود می‌رود از قهر هنوز) و در این بیت حافظ حضرت موسی را درویش واقعی می‌نماید زیرا به جای آنکه موسی خزاین و اموال قارون را تصاحب کند از بی‌نیازی چشم از آن همه ثروت پوشیده و آن را به قعر زمین فرستاد.

این غزل یکی از تابلوهای روشن چهره مثبت درویشان پاک‌نهاد است که توسط حافظ به تصویر کشیده شده است در صورتیکه در ده‌ها بیت به سخت‌ترین عبارت ممکنه صوفیان و زاهدان ریایی را مشمول قهر و غضب خود ساخته است.

شرح جلالی بر حافظ - دکتر عبدالحسین جلالیان